
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی بر تجارب الگویی رشد چین

دکتر فریدون وردی نژاد

www.verdinejad.com

موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

1395/6/8

رشد چین چگونه آغاز شد

■ از سال 1949 و قدرت گیری و تسلط کامل حزب کمونیست چین بر تمامی خاک کشور چین و تاسیس جمهوری خلق چین تا اواخر دهه 70 میلادی همواره الگوی رشد و توسعه چین کپی برداری مستقیم و غیر مستقیم از برنامه های توسعه ای اتحاد جماهیر شوروی بود.

■ در اواخر دهه هفتاد، زمزمه های چندین ساله درون حزب کمونیست جدی تر شد و سنگ بنای اصلاحات با قدرت گیری جناح طرفدار اصلاحات گذاشته شد.

ماجرای چین با سؤال‌های منطقی آغاز شد

1. آیا اقتصاد دولتی و بدنه حجیم خانواده دولت به نفع مردم چین است؟ اگر ساختار دولت ناکارآمد است، راه حل آن چیست؟
2. تورم نیروی انسانی در ساختار اقتصادی به کجا خواهد انجامید؟
3. چرا بهره‌وری در اقتصاد امروز چین پایین است؟
4. چگونه می‌توان فناوری سنتی و فرسوده چینی را با تکنولوژی و مدیریت روزآمد اصلاح کرد؟
5. مدیریت، توانایی، اطلاعات، ارتباطات و سرمایه‌های چینی‌های ماوراء بحار و سایر ملت‌ها را چگونه می‌توان به یکدیگر متصل نمود؟

شعارها و گفتمان دوران دگردیسی

1. ساختن چین بزرگ ، مرفه و پیشرو
2. رفاه عمومی و توسعه صلح و امنیت
3. حضور قشرهای گوناگون اجتماعی با رهبریت حزب در سیاست درهای باز
4. دوستی با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان
5. وارد کردن عقلانیت جمعی و استفاده از همه توانها در تصمیم سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه
6. تولید انبوه با حداقل هزینه ، قیمت ارزان اجناس و تصرف بازارهای جهانی به عنوان عزمی ملی

اصول سياست خارجي چيني

1. احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضي کشورها
2. اصل عدم تجاوز
3. عدم مداخله در امور ديگران
4. برابري و نفع متقابل
5. همزيستي مسالمت‌آمیز با همه کشورها

ارزیابی واقع‌گرایانه از توان و قدرت ملی

1. اجتناب از سیاست‌های شتابزده و زود بازده
2. کنار گذاردن آرمان‌گرایی حزبی و سوسیالیستی
3. تمرکز بر منافع ملی و پرهیز از مواضع پرهزینه
4. تکیه بر توان و نیروی چینی‌های ماوراء بحار
(آنسوی مرزها)
5. برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده

مدل و الگوي رشد (توسعه) چيني

عقلانيت اخلاقي و ارزشي
« آموزه‌هاي بومي »

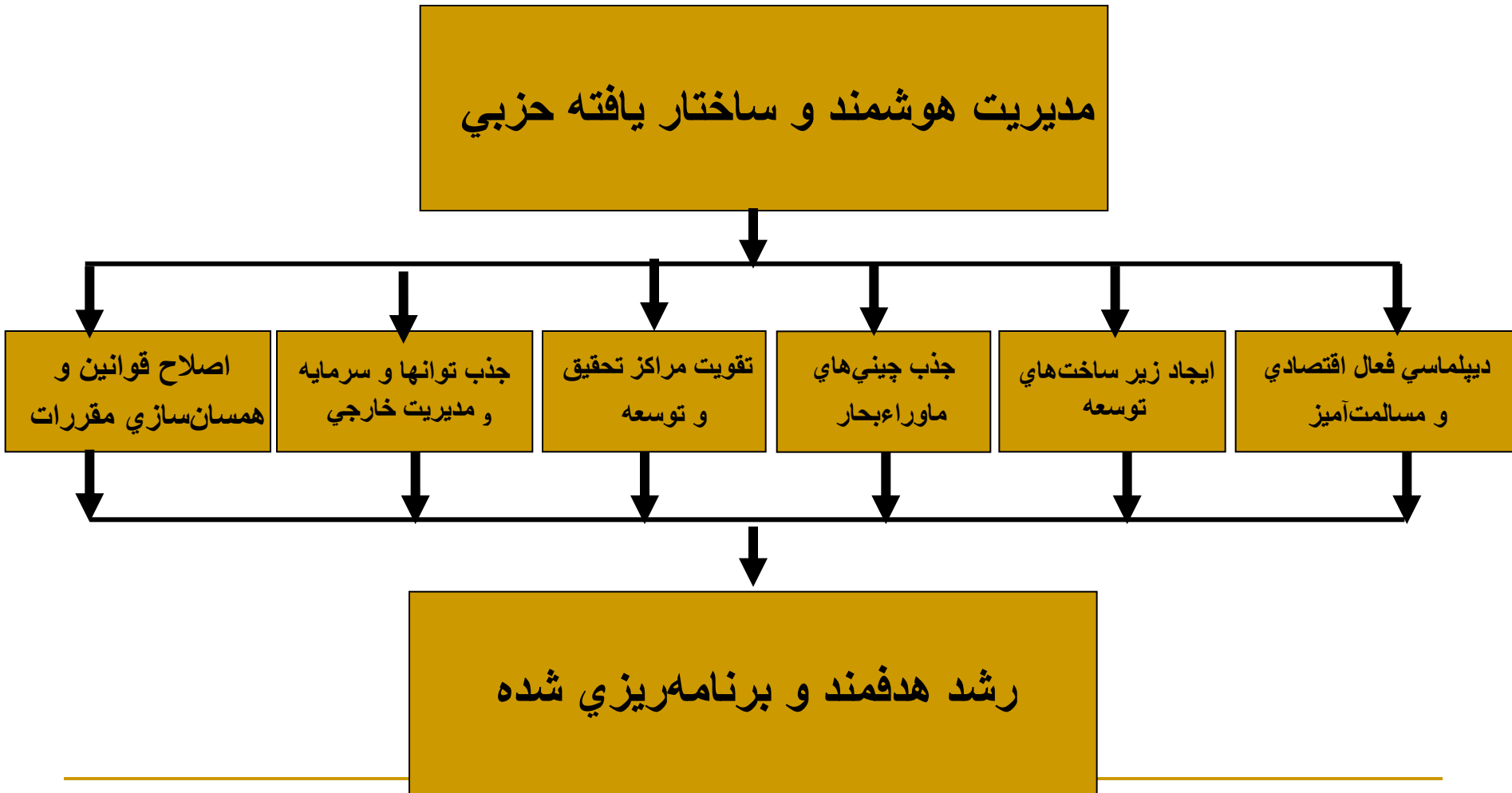
عقلانيت سياسي و ساختاري سود محور
« قانون گرايي و نظم غربي »

مدل تلفيقي

انسجام قانوني و اخلاقي

رشد اقتصادي و رفاه عمومي بر مدار اقتدار سياسي و امنيتي همراه با گشايش‌هاي
شتابان اقتصادي و اصلاحات كنترل شده اجتماعي

مکانیزم رشد چینی



گذاری بر چین



منطقه
رشد یافته

گذاری بر چین

در سال ۱۹۹۰ میلادی، این کشور کمتر از ۳ درصد خروجی تولیدی جهان را بر حسب ارزش فراهم می‌کرد و اکنون سهم این کشور به نزدیک یک چهارم کل تولید جهان رسیده است.

..... گذاری بر چین

چین ۸۰ درصد هوا سازهای جهان،
۷۰ درصد گوشی‌های تلفن همراه
جهان و ۶۰ درصد کفشهای جهان
را می‌سازد.

- اینک چین شریک اول تجاری
130 کشور جهان شده است.

- ذخیره ارزی چین در پایان سال
گذشته حدود 4000 میلیارد دلار
بوده است.

سیستم حکومتی

سیستم حکومتی چین جمهوری خلق و مبتنی بر حاکمیت مطلق حزب کمونیست است. بر اساس قانون اساسی کشور، حزب کمونیست بر عملکرد 7 ارگان مندرج در قانون اساسی نظارت کامل داشته و قانون اساسی این کشور، از زمان تاسیس جمهوری خلق چین تاکنون به مدت 5 بار اصلاح شده و متن نهایی آن طی سال 1992 به تصویب رسیده است.

سیستم حکومتی

از جمله مهمترین ارگان های حکومتی کشور چین می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. کنگره ملی خلق (مجلس نمایندگان)

2. ریاست جمهوری

3. شورای دولتی

4. حکومت های محلی (استانها)

5. دادگاه عالی خلق

6. دادستانی عالی خلق

7. کنفرانس مشورتی- سیاسی خلق

ساختار قدرت در چین

شورای مرکزی حزب کمونیست

پولیت بیورو

کمیسیون نظامی

کنگره خلق چین

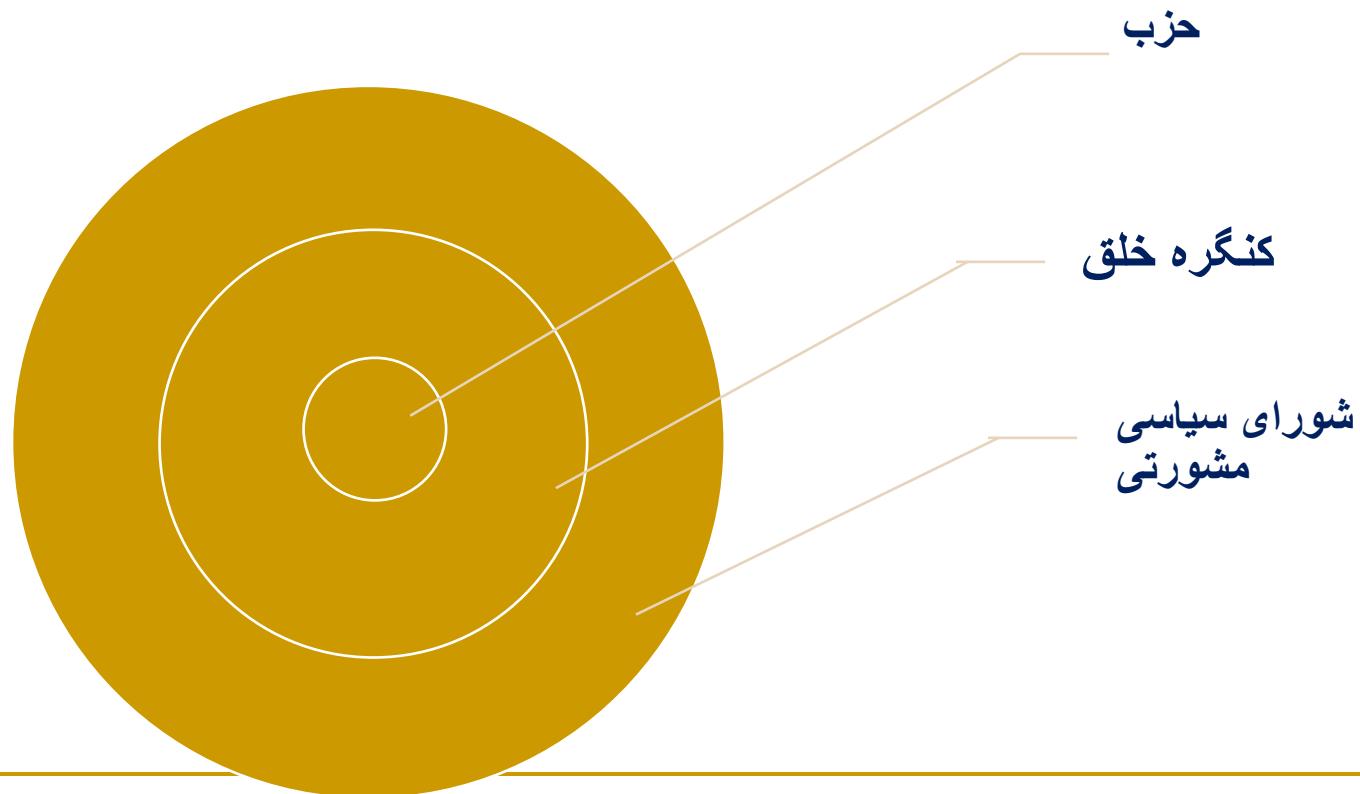
کمیته دائمی کنگره

کمیته مرکزی

کمیته های عمومی

کمیته های مناطق

هسته تصمیم گیری های ملی



چین در مسیر و دوران دگرذیسی با چالش‌های مهمی روبرو بوده‌است ، نظیر :

- چالش فرهنگ گذشته مدار (تقابلی) و فرهنگ آینده مدار (تعاملی)،
- چالش وادادگی اجتماعی ، تفاوت های اقوام و اقلیت ها
- چالش مطالبات سیاسی و تحركات اجتماعی (نسل قدیم و جدید) ،
- چالش مذهب و مسلك با تجدد خواهی و رفاه طلبی ،
- چالش فقر و غنا ،
- چالش رقابت ،
- چالش هویت (ملی – دینی و قومی و قبیله ای)،

■ نکته جالب آن است که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، به دلیل ویژگی های نژاد زرد، از نظر نرم افزاری و سخت افزاری در برابر این تغییرات مقاومت نکرده اند. دلیل اصلی هم آن است که در فرهنگ آسیای شرقی، انضباط يك ارزش است و مسلك كنفوسیوسي به كمك این نظام مدیریتی آمده و زیر ساخت های این «**تغییر بنیادین**» را فراهم کرده است.

روند حکمروائی موثر در چین

■ ساختار تصمیم‌گیری در چین به صورت هرمی و با محوریت و حضور استراتژیک حزب کمونیست می‌باشد به گونه‌ای که این حزب است که جهت حرکت دولت در آینده را تعیین می‌کند اگر چه دولت از ساختار و چهار چوب خاص خود برخوردار است اما در نهایت چرخش فرمان‌مآشین دولت بی‌مدد اشاره حزب کمونیست ممکن نیست . در این راستا علاوه بر پیوندهای جاری دولت با حزب ، یک سلسه مراتب موازی نمایندگان حزبی وجود دارد که به هدایت بخش عمومی و نظارت بر اجرای صحیح ایدئولوژی رسمی می‌پردازد.

تمرکز و توزیع قدرت

■ به طور کلی سیستم اداری چین متمرکز است و به نظر می رسد سطوح پایین دولت در هماهنگی با دستورات و تصمیمات گرفته شده از بالا هستند و همواره مقامات محلی (متکی بر مسائل منطقه ای و قومیت ها) ادعا می کنند که از دستورات مرکز کاملاً اطاعت می کنند حتی زمانی که به آرامی در حال انجام خواسته و نقطه نظرات خود می باشند.

تمرکز و توزیع قدرت و توان استانیها

■ اما واقعیت آن است که برای مقامات محلی و نمایندگان اقلیت های قومی این امکان وجود دارد که **سیاستهای دولت مرکزی را تعدیل کنند** یا سیاستهای خود را که از سوی مقامات بالاتر به آنها تصریح نشده است را، **پیش ببرند**.

■ دولتهای محلی همچنین از سطح بالایی از آزادی در مسائل مالی استان مربوط به خود برخوردارند که به آنها امکان هزینه کردن این درآمدها را می دهد که این خود روشی از سیاست گذاری را در پی دارد.

نقش نهادهای مدنی

- در مقایسه با کشورهای دموکراتیک غربی نقش بخش خصوصی در تصمیم سازیها محدود می باشد. اگر چه گروه های نفوذ و نهادهای مدنی به طور معمول در ارائه و اجرای عملی مسائل دخیل هستند، اما ردپای آنان را نمی توان تا سطوح موضوعات استراتژیک پیگیری کرد.
- آنان اگر هم در این موضوعات وارد شوند به معنای آن است که از آنها دعوت به عمل آمده و دریافت نقطه نظرات آنان مهم بوده است.

■ در این راستا ذکر این نکته مهم است که بسیاری از «مردم نهادها» در چین در واقع دولتی هستند، از این روی نقش این نهادها در تصمیم سازیها را نمی توان به معنای حضور پررنگ بخش های اجتماعی و یا احزاب و اقلیت های قومی و مسلکی جامعه در روند سیاست گذاریها دانست.

■ بر این اساس، با توجه به انبوه توده چینی و تنوع قومی این کشور، اگر چه امکان تصمیم‌گیری دموکراتیک با حضور توده مردم در سطح جامعه وجود ندارد، اما حزبی‌ها معتقدند می‌توان مدلی بر مبنای جامعه واقعی چین در داخل حزب ساخت و افراد و گروه‌های حاضر را در روند تصمیم‌سازی دخیل کرد.

آنچه محور گویش دولت و مردم است

■ آرامش داخلی

■ همکاری پیرامونی

■ صلح خارجی

چین به کدام سو می‌رود؟

اساس سیاست ملی چین در ابعاد مختلف بر دو اصل بنیادین زیراستوار شده است:

■ پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تداوم و تعمیق سیاست درهای باز؛

■ حفظ ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی و وحدت و یکپارچگی ملی برای تداوم اصلاحات؛

پس :

براساس این سیاست و اولویت رشد و توسعه

چین به هیچ روی در مسائل مختلف

(غیر از تایوان و مسائل دریای جنوب) با امریکا
و اروپا درگیر و سرشاخ نخواهد شد و کره شمالی
بهترین مثال آن است.

بنابر این ایران باید سطح انتظارات خود از چین
را منطقی و واقعی نماید که دچار خطای ادراکی
نشود.

سوال مهم

آیا

الگوی رشد و توسعه چین

در ایران

قابلیت پیاده سازی دارد؟

پاسخ:

خیر!

چرا؟

زیرا ...

■ 1- ویژگی های نیروی انسانی در چین (نژاد زرد) و نیروی کار ایرانی بدین معنا که چین نیروی اولیه برای جهش را داشت و ایران به طور اصولی فاقد نیروی انسانی معتقد به کار تیمی و دارای قابلیت هم افزایی است.

■ 2- وجود حزب ایدئولوژیک و سراسری در چین و عبور رهبران چینی از جزمیت حزبی و عدم آمادگی مردم و حاکمیت ایران برای کار سازمانی و حزبی به عنوان مرجع تصمیمات حاکمیتی.

■ 3- در چین رهبری جمعی در قالب حزب مسلط وجود دارد و در ایران معمولاً هدایت و تصمیم‌گیری فصلی و دوره‌ای و متکی بر گفتمان دولت‌های گوناگون است.

■ 4- اقتصاد چین اقتصاد تولیدی-صادراتی است و اقتصاد ایران اقتصاد تک‌محصولی نفتی-صادراتی است.

■ 5- رشد چین در شرایط خاص رقابت‌های دو بلوک قدرت و دوران جنگ سرد شکل گرفت که امروزه جهان فاقد آن ظرفیت و شرایط ویژه است.

- 6- توانائی چین در تبدیل نیروی کار به یکی از عوامل موثر در تولید و عدم امکان این حرکت در ایران بدلیل تکروی و ویژگی اخلاقی ایرانی ها.
- 7- توفیق چینی ها در متناسب سازی پیشرفت اقتصادی چین با انگیزه های اقتصادی فردی که شتاب لازم را به پیشرفت اقتصادی چین داده است.
- 8- مراقبت سازمان یافته حزب کمونیست از اصلاحات تدریجی اقتصادی و متوازن سازی آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی چین و مبارزه سازمان یافته با فساد و عبور از بحران های مرحله ای.

پایان

بخش دوم

مناسبات ایران و چین

چشم انداز مناسبات دو کشور ایران و چین

■ باتوجه به اینکه چین بازار بزرگ مصرف آینده دنیا است و ایران نیز یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است ، چین یک بازار قابل اتکاء برای ایران است و ایران نیز با توجه به ذخایر عظیم نفتی یک تامین کننده قابل اتکاء برای چین محسوب می شود.

■ در حقیقت دو کشور ایران و چین در دو سوی آسیا از نظر اقتصادی مکمل یکدیگر قلمداد می شوند.

همکاری های جاری دو کشور

همزمان با توسعه شتابان اقتصادی چین و روند رو به رشد اقتصاد کشورمان در سالهای اخیر شاهد توسعه روز افزون مناسبات دو جانبه ایران و چین در بخشهای مختلف اقتصادی و فرهنگی هستیم. بطوریکه حجم خرید روزانه متوسط نفت از ایران حدود 750 تا 800 هزار بشکه است و در هفته جاری چین مبلغ 15 میلیارد دلار اعتبار برای فاینانس پروژه های ایران اختصاص داد.

سطح مناسبات دو کشور و ظرفیت های آماده آن

■ مناسبات تهران- یکن از نگاه سیاسی در سطح قابل قبولی قرار دارد.

■ اما فراموش نکنیم که روابط ایران و چین از جهت اقتصادی و فرهنگی هنوز گنجایش توسعه زیادی دارد که بدلیل فقدان استراتژی و فرازو نشیب های موسمی از ثبات و پویایی لازم برخوردار نیست و دوطرف باید اقدامات موثری را برای رفع این مشکلات بعمل آورند تا ظرفیت های بالقوه عملیاتی شود.

ظرفیت های همکاری

- تبدیل مناسبات اقتصادی از همکاری های پروژه ای و فاینانس به همکاری های مشارکتی و سرمایه گذاری های مشترک

مکانیزم:

- ایجاد فضای اعتماد ، باورسازی و اطمینان بخشی
- همکاری با شرایط برد-برد
- شفاف سازی عرصه ها و ظرفیت های همکاری
- تشکیل واحدها و بنگاه های مشترک

پایه های همکاری

- جمعیت با سواد و کارشناسان نخبه ایران
- منابع انرژی گسترده
- موقعیت ژئو استراتژیکی ایران ثبات داخلی ایران در شرایط ناپایدار خاورمیانه
- منافع منطقه ای مشترک
- مواضع سیاسی نزدیک دو کشور

قدم های ضروری

- تبادل هیئتهای تجاری در دو بخش دولتی و خصوصی افزایش یابد و بیشتر به مشارکت و سرمایه گذاری دو جانبه پرداخته شود.
- با ایجاد یک مکانیزم موثر به تبادل اطلاعات بروز و فرصتهای موجود در دو کشور همت بگماریم و در اصل قادر شویم اطلاعات، توانایی و تکنولوژی واقعی چین را به شرکتهای ایرانی منتقل کنیم.

..... قدم های ضروری

■ تلاش کنیم تا شرکت های چینی هم نسبت به سطح فناوری ، توانائیها و ظرفیتهای واقعی ایران مطلع تر شوند.

■ توسعه همکاریهای بخشهای خصوصی اقتصادی دو کشور و تقویت روابط در صنایع سنگین و متوسط چین و ایران دنبال شود.

ادامه....

■ برقراری تعرفه های خاص و حمایتی بین دو کشور و تعرفه های ترجیحی مانند تعرفه هایی که بین کشورهای عضو بلوک های اقتصادی یا **WTO** وجود دارد که کالاها با مالیات و عوارض پایین تر میان دو کشور مبادله شود. منظور از تعرفه های ترجیحی و حمایتی برداشتن مشکلات از سر راه صادرکنندگان و واردکنندگان است که قدرت رقابت را در بازار یکدیگر داشته باشند.

■ تلاش برای ایجاد یک بانک مشترک خصوصی بین دو کشور
نظیر بانک ایران و چین برای حمایت از همکاریهای دو کشور
و ایجاد تسهیلات تجاری، پولی و مالی برای بازرگانان دو
کشور، اینک نمونه چنین بانکی بین ایران و ژاپن وجود
دارد.

■ تشکیل شرکتهای مشترک حمل و نقل بین ایران و چین، این
شرکت می تواند شامل خطوط هوایی، دریایی و ریلی مشترک
باشد. این امر باعث خواهد شد کالاها ارزان تر به کشور مقابل
حمل شود. اگر چه ایران و چین معتقد به نظارت دولت بر
اقتصاد هستند، اما امور اجرایی بهتر است در دست بخش
خصوصی قرار گیرد و این به نفع دو کشور خواهد بود.

■ برقراری سیستم اعتبارات حمایتی دولتی از سوی چین و ایران برای پشتیبانی از صنایع متوسط که دولت چین می تواند این اعتبارات را به شرکای شرکت های چینی اختصاص دهد و ایران هم می تواند به مناطق مرکزی و غربی چین که در حال توسعه است توجه داشته باشد.

■ باتوجه به مزایای نسبی در ایران، نظیر ارزان بودن منابع انرژی، وجود منابع مختلف و ارزان بودن نیروی کار بخشی از تکنولوژی تولید به ایران منتقل شده و این محصولات با استاندارد مشترک تولید شود و در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه بطور مشترک عرضه گردد.

و... در نهایت

■ باتوجه به ضرورت گسترش شناخت و تقویت تبادل اطلاعات نو و بهنگام ، شرایط رفت و آمد و تسهیلات ویزایی و گردشگری میان دو کشور بیشتر شود. چراکه مردم چین گمان می کنند که ایران فقط تولید کننده نفت است، در حالیکه ایران با دارا بودن منابع عمده دیگر همچون نیروی کار ماهر ، تولیدات متنوع، کارخانجات تولیدی معظم، صنایع سبک و سنگین ، می تواند یک شریک قوی و مطمئن برای چین در غرب آسیا و خاورمیانه باشد.

متشکرم و پایدار باشید

فریدون وردی نژاد

verdinejad@verdinejad.com
